



## تأثیر محیط کاری حمایتی بر کاهش بحران رفتارهای انحرافی با نقش تعدیل‌گر هوش هیجانی و تعهد سازمانی

محمد بزرگر<sup>۱</sup> | مهدی جهانی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد، گروه مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع و مدیریت، دانشگاه صنعتی شاهرود، ایران.  
mohammadbarzzegar@gmail.com  
۲. کارشناسی ارشد، گروه مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع و مدیریت، دانشگاه صنعتی شاهرود، ایران.

### چکیده

هدف این مقاله بررسی تأثیر محیط کاری حمایتی، هوش هیجانی و تعهد سازمانی بر کاهش رفتارهای انحرافی کارکنان در سازمان‌ها بوده است. این مطالعه از نوع توصیفی-پیمایشی و مبتنی بر روش تحقیق کمی می‌باشد و داده‌ها از طریق پرسشنامه استاندارد جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش شامل ۳۵۰ نفر از کارکنان یک سازمان دولتی بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۱۸۰ پرسشنامه معتبر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روایی پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ( $\alpha=0.89$ ) تأیید گردید. یافته‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که محیط کاری حمایتی تأثیر معناداری بر کاهش رفتارهای انحرافی دارد ( $P < 0.01, \beta = -0.41$ )، همچنین هوش هیجانی به‌عنوان متغیر میانجی، این رابطه را تعدیل کرده و تأثیر آن را تقویت نموده است ( $P < 0.01, \beta = -0.32$ ). علاوه بر این، تعهد سازمانی هم اثر تعدیلی مثبت و معناداری در کاهش رفتارهای انحرافی دارد ( $P < 0.05, \beta = -0.27$ ). نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد محیطی حمایتی، افزایش هوش هیجانی کارکنان و تقویت تعهد سازمانی، از راهکارهای کلیدی برای کاهش بحران‌های رفتاری در محیط‌های کاری است. همچنین پیشنهاد شده که سازمان‌ها می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی، انگیزه و تعهدی سازمانی را تقویت نمایند و میزان رفتارهای انحرافی را کاهش داده و بهره‌وری سازمان را افزایش دهند.

کلیدواژه‌ها: بحران رفتار سازمانی، محیط کاری حمایتی، هوش هیجانی، تعهد سازمانی، رفتارهای انحرافی و معادلات ساختاری

سال و شماره

سال ۱۷

پاییز ۱۴۰۴

صص: ۱۳۲-۱۱۷

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۷۹۴۷-۳۱۱۵

الکترونیکی: ۷۵۲۱-۳۱۱۵



استناد: بزرگر، محمد، جهانی، مهدی. (۱۴۰۴). تأثیر محیط کاری حمایتی بر کاهش بحران رفتارهای انحرافی سازمانی با نقش تعدیل‌گر هوش هیجانی و میانجی‌گری تعهد سازمانی. مدیریت بحران‌های اجتماعی، ۱۷(۴)، ۱۱۷-۱۳۲.

DOR: 20.1001.1.31157947.1404.17.4.6.9

ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع). © نویسنده گان.



OPEN ACCESS

## مقدمه

در دنیای پیچیده و پویای سازمان‌های امروزی، رفتارهای انحرافی کارکنان به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی مدیریت منابع انسانی مطرح شده است. این رفتارها تأثیرات منفی قابل توجهی بر عملکرد سازمان، فرهنگ کاری و رضایت شغلی داشته و در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند موجب کاهش بهره‌وری و افزایش تعارضات درون‌سازمانی شوند (راینسون و بینت، ۱۹۹۵). رفتارهای انحرافی سازمانی شامل اقداماتی مانند کم‌کاری، غیبت غیرموجه، اتلاف منابع، شایعه پراکنی، و حتی خرابکاری عمدی در محیط کار است که باعث کاهش اثربخشی سازمانی می‌شود (بینت و راینسون، ۲۰۰۰). مطالعات نشان داده‌اند که عوامل متعددی در کاهش یا افزایش این رفتارها نقش دارند. یکی از این عوامل، محیط کاری حمایتی است. محیط کاری حمایتی به بستری اشاره دارد که در آن کارکنان احساس امنیت، احترام و ارزشمندی می‌کنند. تحقیقات نشان داده‌اند که کارکنانی که حمایت سازمانی بیشتری را ادراک می‌کنند، تعهد بالاتری نسبت به سازمان داشته و تمایل کمتری به رفتارهای انحرافی نشان می‌دهند (ایسنبرگر و همکاران، ۱۹۶۸). به عبارت دیگر، حمایت سازمانی می‌تواند از طریق کاهش فشارهای روانی و افزایش انگیزه کارکنان، میزان رفتارهای انحرافی را کاهش دهد (رودرس و ایسنبرگر، ۲۰۰۲). علاوه بر محیط کاری حمایتی، هوش هیجانی نیز نقش مهمی در رفتارهای سازمانی ایفا می‌کند (ابراهیمی، رنجبر، ۱۴۰۱). هوش هیجانی به توانایی فرد در شناخت، درک و مدیریت احساسات خود و دیگران اشاره دارد. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که افرادی با هوش هیجانی بالا، در محیط‌های کاری پرفشار کمتر دچار استرس شده و روابط بین‌فردی بهتری برقرار می‌کنند که این امر موجب کاهش رفتارهای انحرافی می‌شود (گلنن، ۱۹۹۸). یکی دیگر از عوامل مهم در این زمینه، تعهد سازمانی است. تعهد سازمانی به معنای میزان وابستگی و تمایل کارکنان به باقی‌ماندن در سازمان و تلاش برای دستیابی به اهداف سازمانی است. تحقیقات نشان داده‌اند که تعهد سازمانی بالا با کاهش رفتارهای انحرافی و افزایش رفتارهای شهروندی سازمانی مرتبط است (میر و آلن، ۱۹۹۱). پژوهش‌ها بیان می‌کنند که کارکنانی که تعهد بیشتری نسبت به سازمان خود دارند، نه تنها رفتارهای مثبت بیشتری نشان می‌دهند، بلکه تمایل کمتری به انجام رفتارهای مخرب دارند (پادساکاف، ۲۰۰۰).

هدف اصلی این مطالعه، تأثیر محیط کاری حمایتی بر کاهش بحران رفتارهای انحرافی با نقش تعدیل گر هوش هیجانی و تعهد سازمانی است که با بررسی و تحلیل روابط بین متغیرها و درک بهتر این روابط، مدیران و سیاست گذاران سازمانی می توانند استراتژی ها و برنامه های موثرتری را برای ایجاد محیط کاری سالم تر و افزایش بهره وری تدوین کنند. همچنین، این پژوهش می تواند به توسعه مدل های مدیریتی که بر کاهش رفتارهای انحرافی و بهبود سلامت سازمانی تمرکز دارند، کمک کند.

### اهمیت و ضرورت

تحقیقات در زمینه رفتارهای انحرافی در محیط های سازمانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا این رفتارها می توانند تأثیرات منفی قابل توجهی بر سلامت سازمانی، بهره وری و روحیه کارکنان داشته باشند. رفتارهای انحرافی مانند کم کاری، غیبت های غیرموجه، اتلاف منابع و شایعه پراکنی می توانند عملکرد سازمان را تحت تأثیر قرار داده و منجر به افزایش هزینه ها و کاهش رضایت شغلی کارکنان شوند. بنابراین، شناسایی و کنترل این رفتارها برای حفظ منابع انسانی ارزشمند و بهبود محیط کاری ضروری است. یکی از دلایل ضرورت این تحقیق، نیاز سازمان ها به حفظ منابع انسانی ارزشمند است. کارکنانی که به رفتارهای انحرافی می پردازند، می توانند فضای کاری منفی ایجاد کرده و بر روابط بین فردی تأثیر بگذارند (قائد امینی هارونی، ۱۴۰۱). در نتیجه، این رفتارها نه تنها بر عملکرد فردی کارکنان تأثیر می گذارند، بلکه ممکن است باعث تضعیف روحیه تیمی و کاهش همکاری بین اعضای سازمان شوند، علاوه بر این، مدیریت رفتارهای انحرافی می تواند به سازمان ها کمک کند تا محیط کاری سالم تر و کارآمدتری ایجاد کنند. تحقیقاتی که به بررسی عوامل مؤثر بر این رفتارها می پردازند، می توانند راهکارهایی برای جلوگیری از بروز این مشکلات ارائه دهند و به سازمان ها کمک کنند تا سیاست های بهتری در مدیریت منابع انسانی اتخاذ کنند. همچنین، این تحقیق می تواند به ارتقاء کیفیت زندگی کاری کارکنان کمک کند (نقابی و بهادری، ۱۳۹۱). رفتارهای انحرافی به طور مستقیم یا غیرمستقیم می توانند بر انگیزه و رضایت شغلی کارکنان تأثیر بگذارند (یزدانی، ۱۴۰۰). با شناسایی عوامل

مؤثر بر این رفتارها و ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش آن‌ها، می‌توان شرایط کاری بهتری فراهم آورد که موجب افزایش رضایت شغلی و تعهد سازمانی کارکنان شود. از سوی دیگر، این تحقیق می‌تواند پایه‌گذار مطالعات بیشتر در زمینه رفتارهای انحرافی و اثرات آن‌ها بر ساختارهای مختلف سازمانی باشد. شناسایی عواملی مانند استرس شغلی و مسئولیت اجتماعی سازمانی که بر رفتارهای انحرافی تأثیر می‌گذارند، می‌تواند به محققان کمک کند تا راه‌حل‌های جدید و کارآمدتری برای مدیریت این رفتارها در محیط‌های کاری پیدا کنند. بنابراین، این تحقیق نه تنها به درک بهتر رفتارهای انحرافی در سازمان‌ها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد محیط‌های کاری سالم‌تر، بهره‌ورتر و منظم‌تر کمک کرده و در نهایت به بهبود عملکرد سازمان‌های مختلف منجر شود.

### اهداف تحقیق

هدف اصلی این مطالعه، تأثیر محیط کاری حمایتی بر کاهش بحران رفتارهای انحرافی با نقش تعدیل‌گر هوش هیجانی و تعهد سازمانی است برای دستیابی به این هدف، چندین هدف فرعی نیز در نظر گرفته شده است که به شرح زیر می‌باشد:

- شناسایی عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر بروز رفتارهای انحرافی در سازمان‌ها، از جمله عوامل فردی، شغلی، و سازمانی.
- بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی و ویژگی‌های فردی مانند هوش هیجانی، انگیزه شغلی و استرس شغلی بر رفتارهای انحرافی.
- مطالعه رابطه بین رفتارهای انحرافی و کاهش بهره‌وری و عملکرد سازمانی در محیط‌های کاری.
- بررسی نقش رضایت شغلی در کاهش یا تشدید رفتارهای انحرافی در سازمان‌ها.
- ارائه راهکارهای مدیریتی و استراتژیک برای کاهش رفتارهای انحرافی در محیط‌های سازمانی به منظور افزایش کارایی و روحیه کارکنان.

### فرضیات تحقیق

- فرهنگ سازمانی مثبت و حمایت سازمانی می‌تواند به کاهش رفتارهای انحرافی در محیط کار کمک کند.

- استرس شغلی و فشار کاری به طور مستقیم با افزایش رفتارهای انحرافی در سازمان ها ارتباط دارد.
- افراد با هوش هیجانی بالا، رفتارهای انحرافی کمتری نسبت به سایر کارکنان نشان می دهند.
- میزان رضایت شغلی کارکنان بر شدت رفتارهای انحرافی در سازمان تأثیرگذار است؛ به طوری که هرچه رضایت شغلی بیشتر باشد، احتمال بروز رفتارهای انحرافی کمتر است.
- حمایت مدیران از کارکنان در قالب نظارت مثبت و مشاوره می تواند موجب کاهش رفتارهای انحرافی در محیط کار شود.

این تحقیق به منظور آزمون این فرضیات، به تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از کارکنان و مدیران در سازمان های مختلف پرداخته و به ارزیابی و پیشنهاد راهکارهایی برای کاهش رفتارهای انحرافی در محیط های کاری می پردازد.

### تعاریف و مبانی نظری

یک محیط کاری عالی برای همه "جایی است که کارکنان به کسانی که با آن ها کار می کنند اعتماد دارند، نسبت به کاری که انجام می دهند احساس افتخار می کنند و از افرادی که با آن ها در ارتباط هستند لذت می برند" (مایکل سی بوش، مترجم ابریشم کار، ۱۴۰۲).

۱. **محیط کاری حمایتی:** محیط کاری حمایتی به عنوان یکی از عوامل اساسی در ایجاد تعهد سازمانی و کاهش رفتارهای انحرافی کارکنان شناخته می شود. این محیط شامل حمایت مدیریتی، همکاران و فرهنگ سازمانی است که رفاه کارکنان را افزایش داده و باعث ایجاد حس تعلق می شود (ایسنبرگر و همکاران، ۲۰۰۱). حمایت سازمانی در محیط کار می تواند به افزایش انگیزه کارکنان، بهبود عملکرد و کاهش استرس منجر شود (رودرس و ایسنبرگر، ۲۰۰۲).

۲. **رفتارهای انحرافی سازمانی:** رفتارهای انحرافی سازمانی به اعمالی اشاره دارد که با هنجارها، قوانین و ارزش های سازمانی در تضاد بوده و می تواند به عملکرد سازمانی آسیب برساند. این رفتارها شامل سرقت، غیبت غیرموجه، اتلاف منابع و کاهش بهره وری هستند (بینت و رابینسون، ۲۰۰۰). دلایل بروز این رفتارها می تواند عدم تعهد سازمانی، استرس شغلی و ضعف در مدیریت منابع انسانی باشد (اسپکتور و فاکس، ۲۰۰۵).

**۳. تعهد سازمانی:** تعهد سازمانی به عنوان یک عامل میانجی در این پژوهش نقش مهمی در تبیین ارتباط میان محیط کاری حمایتی و رفتارهای انحرافی دارد. می‌یر و آلن (۱۹۹۱)، سه بُعد تعهد سازمانی را معرفی کرده‌اند:

- تعهد عاطفی (احساس تعلق به سازمان)
- تعهد مستمر (ضرورت ماندن در سازمان به دلیل هزینه‌های خروج)
- تعهد هنجاری (احساس مسئولیت اخلاقی برای ماندن در سازمان)

تحقیقات نشان داده‌اند که تعهد عاطفی نقش مهمی در کاهش رفتارهای انحرافی دارد (متشو و زاجاک، ۱۹۹۰).

**۴. هوش هیجانی:** هوش هیجانی به توانایی فرد در شناسایی، درک و مدیریت احساسات خود و دیگران اشاره دارد (گلگمن، ۱۹۹۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کارکنانی که سطح بالاتری از هوش هیجانی دارند، در برابر استرس‌های شغلی مقاوم‌تر بوده و کمتر دچار رفتارهای انحرافی می‌شوند (سالوی و مایر، ۱۹۹۰). همچنین، هوش هیجانی به عنوان یک تعدیل‌گر می‌تواند اثرات محیط کاری حمایتی را بر تعهد سازمانی تقویت کند (کوته، ۲۰۰۵).

### پیشینه پژوهش

در محیط‌های سازمانی امروزی، رفتارهای انحرافی کارکنان به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم مدیریت منابع انسانی مطرح است. این رفتارها می‌توانند تأثیرات منفی بر عملکرد سازمان، فرهنگ کاری و رضایت شغلی داشته باشند. عوامل متعددی مانند حمایت سازمانی ادراک‌شده، هوش هیجانی و تعهد سازمانی می‌توانند در کاهش یا افزایش این رفتارها نقش داشته باشند. در ادامه، به بررسی پنج مطالعه مرتبط با این موضوع می‌پردازیم:

**تأثیر هوش هیجانی بر تعهد سازمانی و رفتارهای انحرافی:** مطالعه‌ای توسط کاور و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که هوش هیجانی به‌عنوان یک متغیر میانجی، می‌تواند رابطه بین رفتارهای انحرافی در محیط کار و تعهد سازمانی را تحت تأثیر قرار دهد. نتایج حاکی از آن است که افزایش هوش هیجانی می‌تواند به کاهش رفتارهای انحرافی و تقویت تعهد سازمانی منجر شود.

**نقش حمایت سازمانی ادراک شده در رفتارهای انحرافی:** پژوهشی توسط آلیس و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین حمایت سازمانی ادراک شده و رفتارهای انحرافی در محیط کار پرداخت. یافته‌ها نشان دادند که حمایت سازمانی ادراک شده می‌تواند به‌طور معکوس با رفتارهای انحرافی مرتبط باشد؛ به طوری که افزایش حمایت سازمانی منجر به کاهش این رفتارها می‌شود.

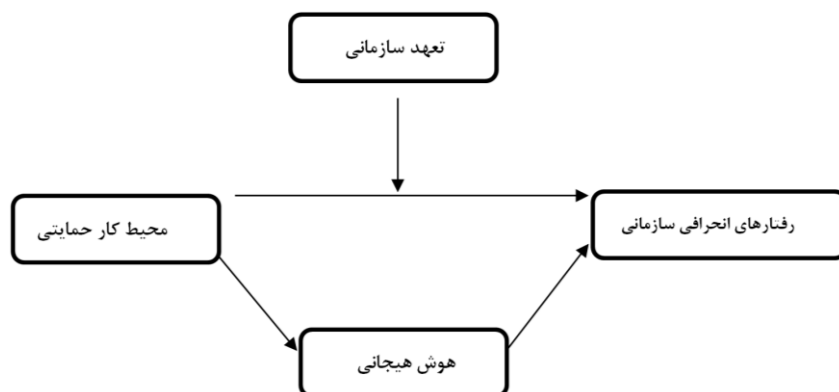
**تأثیر فرهنگ سازمانی بر رفتارهای انحرافی:** مطالعه‌ای توسط الکساندر و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد که فرهنگ سازمانی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار داشته باشد. فرهنگ‌های حمایتی و باز، میزان رفتارهای انحرافی را کاهش می‌دهند، در حالی که فرهنگ‌های سخت گیرانه و بسته ممکن است این رفتارها را افزایش دهند.

**رابطه بین عدالت سازمانی و رفتارهای انحرافی:** پژوهشی توسط لی و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی تأثیر عدالت سازمانی ادراک شده بر رفتارهای انحرافی پرداخت. نتایج نشان داد که ادراک عدالت در سازمان می‌تواند به کاهش رفتارهای انحرافی منجر شود، در حالی که بی‌عدالتی ادراک شده ممکن است این رفتارها را افزایش دهد.

**تأثیر رهبری اخلاقی و معنویت در محیط کار بر رفتارهای انحرافی:** مطالعه‌ای توسط رحمان و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد که رهبری اخلاقی و معنویت در محیط کار می‌توانند از طریق افزایش تعهد سازمانی، به کاهش رفتارهای انحرافی منجر شوند. این پژوهش تأکید می‌کند که ایجاد محیط کاری معنوی و رهبری مبتنی بر اخلاق، می‌تواند رفتارهای منفی را کاهش دهد. این مطالعات نشان می‌دهند که عوامل متعددی مانند هوش هیجانی، حمایت سازمانی، فرهنگ سازمانی، عدالت سازمانی و رهبری اخلاقی می‌توانند بر رفتارهای انحرافی کارکنان تأثیرگذار باشند. درک این روابط می‌تواند به توسعه راهکارهای مؤثر برای کاهش رفتارهای انحرافی و بهبود عملکرد سازمان کمک کند.

با توجه به تعاریف و مبانی نظری مرتبط، می‌توان نتیجه گرفت که محیط کاری حمایتی با افزایش تعهد سازمانی و مدیریت احساسات از طریق هوش هیجانی، می‌تواند رفتارهای انحرافی سازمانی را کاهش دهد. بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش بر پایه این روابط تدوین می‌شوند.

شکل (۱) روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

## تحلیل یافته‌ها

در این قسمت، نتایج تحلیل داده‌ها و بررسی روابط میان متغیرها شامل محیط کاری حمایتی، رفتارهای انحرافی، هوش هیجانی و تعهد سازمانی ارائه می‌شود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS و AMOS استفاده شده است. همچنین، از آزمون‌های آماری نظیر همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه و مدل‌سازی معادلات ساختاری به منظور بررسی فرضیات و روابط پیچیده میان متغیرها بهره‌برداری شده است.

### ۱. تحلیل توصیفی داده‌ها

قبل از پردازش داده‌ها و اجرای آزمون‌های آماری، بررسی‌های ابتدایی بر روی داده‌های جمع‌آوری شده انجام شد. در این بخش، شاخص‌های آماری مختلف نظیر میانگین، انحراف معیار، و دامنه داده‌ها برای هر یک از متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۳. بررسی شاخص‌های آماری

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
محیط کاری حمایتی	۳٫۸۲	۰٫۷۵	۲٫۵	۵
رفتارهای انحرافی	۲٫۶۵	۰٫۸۴	۱	۵
تعهد سازمانی	۴٫۰۱	۰٫۶۳	۲٫۷	۵
هوش هیجانی	۳٫۹۵	۰٫۷۲	۲٫۶	۵

## ۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

در ابتدا، برای بررسی روابط مستقیم میان متغیرهای تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این آزمون نشان دهنده وجود روابط معنادار و مثبت بین اکثر متغیرهاست. در جدول زیر، نتایج همبستگی میان متغیرهای مختلف آمده است:

جدول ۴. نتایج همبستگی میان متغیرها

نام متغیر	محیط کاری حمایتی	هوش هیجانی	تعهد سازمانی	رفتارهای انحرافی
محیط کاری حمایتی	۱	۰,۵۴	۰,۶۲	-۰,۴۵
رفتارهای انحرافی	-۰,۴۵	-۰,۳۶	-۰,۵۳	۱
تعهد سازمانی	۰,۶۲	۰,۷۱	۱	-۰,۵۳
هوش هیجانی	۰,۵۴	۱	۰,۷۱	-۰,۳۶

نتایج همبستگی نشان می دهد که:

- بین محیط کاری حمایتی و تعهد سازمانی همبستگی مثبت و معناداری (۰,۶۲) وجود دارد.
- محیط کاری حمایتی با رفتارهای انحرافی همبستگی منفی و معناداری (-۰,۴۵) دارد که نشان دهنده این است که محیط کاری حمایتی می تواند به کاهش رفتارهای انحرافی کمک کند.
- هوش هیجانی و تعهد سازمانی رابطه مثبت قوی ای (۰,۷۱) دارند.

## ۴. تحلیل رگرسیون چندگانه

پس از بررسی روابط ابتدایی، برای تحلیل دقیق تر تأثیر متغیرهای مستقل (محیط کاری حمایتی، هوش هیجانی) بر متغیر وابسته (رفتارهای انحرافی) از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج این تحلیل نشان می دهد که:

- محیط کاری حمایتی توانسته است تأثیر معناداری بر کاهش رفتارهای انحرافی داشته باشد.
- هوش هیجانی نیز نقش تعدیل کننده ای در این رابطه ایفا کرده است و توانسته تأثیر محیط کاری حمایتی را تقویت کند.

در مدل رگرسیون، متغیر محیط کاری حمایتی به عنوان متغیر پیش بین، و رفتارهای انحرافی به عنوان متغیر وابسته قرار گرفت. نتایج مدل رگرسیون چندگانه نشان می دهد که: ضریب  $\beta$  برای محیط کاری حمایتی برابر با ۰,۳۹- است که بیانگر تأثیر منفی و معنادار این متغیر بر رفتارهای انحرافی است.

- ضریب  $\beta$  برای هوش هیجانی برابر با  $-0,28$  است که نشان‌دهنده تأثیر آن در کاهش رفتارهای انحرافی است.
- مقدار R-squared مدل  $0,42$  است که نشان می‌دهد ۴۲ درصد از تغییرات رفتارهای انحرافی به وسیله محیط کاری حمایتی و هوش هیجانی تبیین می‌شود.

## ۵. مدل سازی معادلات ساختاری

برای بررسی روابط پیچیده میان متغیرها و ارزیابی صحت مدل مفهومی پژوهش، از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. مدل معادلات ساختاری به‌ویژه برای تحلیل روابط میان متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر مناسب است. در این پژوهش، هوش هیجانی به عنوان متغیر میانجی و تعهد سازمانی به عنوان متغیر تعدیل‌گر در نظر گرفته شدند. نتایج مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که:

- \* اثر مستقیم محیط کاری حمایتی بر رفتارهای انحرافی منفی و معنادار است.
  - \* هوش هیجانی نقش میانجی مؤثری در تأثیر محیط کاری حمایتی بر رفتارهای انحرافی ایفا می‌کند.
  - \* تعهد سازمانی تأثیر مثبت و معناداری بر کاهش رفتارهای انحرافی دارد.
- Fit indices مدل معادلات ساختاری به شرح زیر است:

$$* \text{CMIN/DF} = 1.76 \text{ (مناسب)}$$

$$* \text{RMSEA} = 0.047 \text{ (مناسب)}$$

$$* \text{CFI} = 0.97 \text{ (مناسب)}$$

$$* \text{TLI} = 0.96 \text{ (مناسب)}$$

این نتایج نشان‌دهنده برازش خوب مدل با داده‌هاست و به‌خوبی روابط پیچیده بین متغیرهای تحقیق را توضیح می‌دهد.

## ۶. تحلیل نتایج در زمینه فرضیات

- با توجه به نتایج تحلیل‌های مختلف، فرضیات تحقیق به شرح زیر تأیید یا رد شده‌اند:
- \* فرضیه اول: محیط کاری حمایتی بر رفتارهای انحرافی تأثیر منفی دارد. این فرضیه تأیید می‌شود.
  - \* فرضیه دوم: هوش هیجانی نقش میانجی در رابطه بین محیط کاری حمایتی و رفتارهای انحرافی ایفا می‌کند. این فرضیه نیز تأیید می‌شود.
  - \* فرضیه سوم: تعهد سازمانی بر رفتارهای انحرافی تأثیر منفی دارد. این فرضیه نیز تأیید می‌شود.

با توجه به نتایج به دست آمده، می توان نتیجه گرفت که محیط کاری حمایتی و هوش هیجانی نقش بسیار مهمی در کاهش بحران رفتارهای انحرافی در سازمان ها ایفا می کنند. محیط کاری حمایتی با فراهم آوردن فضایی مناسب برای کارکنان، باعث افزایش تعهد سازمانی و کاهش رفتارهای انحرافی می شود. همچنین، هوش هیجانی با مدیریت احساسات و تعاملات کارکنان می تواند این تأثیرات را تقویت کرده و به کاهش بحران های رفتاری در سازمان ها کمک کند.

## یافته ها

در این پژوهش، تأثیر محیط کاری حمایتی، هوش هیجانی و تعهد سازمانی بر رفتارهای انحرافی کارکنان مورد بررسی قرار گرفت. هدف اصلی، شناسایی عواملی بود که می توانند به کاهش رفتارهای انحرافی و در نتیجه، بهبود عملکرد سازمانی کمک کنند. تحلیل های آماری نشان داد که محیط کاری حمایتی و هوش هیجانی تأثیر بسزایی در کاهش رفتارهای انحرافی دارند و تعهد سازمانی نقش تعدیل کننده ای در این رابطه ایفا می کند.

### نقش محیط کاری حمایتی در کاهش بحران رفتارهای انحرافی

یافته های تحقیق نشان داد که محیط کاری حمایتی تأثیر مستقیم و معناداری بر کاهش رفتارهای انحرافی دارد. این نتیجه با مطالعات پیشین که نشان داده اند یک محیط کاری مثبت، حمایت کننده و شفاف می تواند میزان تخلفات، رفتارهای غیرمسئولانه و کناره گیری از کار را کاهش دهد، همخوانی دارد. در محیط هایی که کارکنان احساس امنیت و حمایت بیشتری دارند، تمایل آن ها به رفتارهای مخرب کاهش می یابد و وفاداری سازمانی افزایش پیدا می کند.

### نقش هوش هیجانی در کنترل بحران رفتاری کارکنان

نتایج تحلیل ها نشان داد که هوش هیجانی نقش میانجی مؤثری در تأثیر محیط کاری حمایتی بر کاهش رفتارهای انحرافی دارد. به این معنا که افرادی که دارای هوش هیجانی بالاتری هستند، در شرایط استرس زا و محیط های کاری چالش برانگیز، بهتر می توانند احساسات خود را مدیریت کرده و رفتارهای نامطلوب را کنترل کنند. در سازمان هایی که توسعه هوش هیجانی کارکنان مورد توجه قرار گرفته است، میزان درگیری های بین فردی، تضادها و رفتارهای ضدتولیدی کاهش می یابد.

## نقش تعهد سازمانی در کاهش بحران‌های سازمانی

این پژوهش همچنین نشان داد که تعهد سازمانی تأثیر مثبتی در کاهش رفتارهای انحرافی دارد. کارکنانی که به سازمان خود وفادارترند، کمتر تمایل دارند در فعالیت‌های غیرسازنده، مانند اتلاف وقت، شایعه‌پراکنی، یا مقاومت در برابر تغییرات سازمانی، مشارکت داشته باشند. بنابراین، افزایش تعهد سازمانی می‌تواند یکی از راهکارهای کلیدی برای کاهش بحران‌های رفتاری در محیط‌های کاری باشد.

## مدل ترکیبی عوامل تأثیرگذار بر بحران رفتار سازمانی

نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که تأثیر محیط کاری حمایتی و هوش هیجانی بر کاهش رفتارهای انحرافی، از طریق تعهد سازمانی تقویت می‌شود. همچنین، هوش هیجانی به عنوان یک متغیر میانجی، نقش مهمی در تعدیل اثر محیط کاری بر رفتارهای انحرافی ایفا می‌کند. این نتایج نشان‌دهنده لزوم یک رویکرد جامع در مدیریت منابع انسانی و بهبود محیط کاری برای کاهش بحران‌های رفتاری در سازمان‌ها است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، سازمان‌ها برای کاهش بحران‌های ناشی از رفتارهای انحرافی باید بر سه عامل کلیدی تمرکز کنند:

- \* ایجاد محیط کاری حمایتی که در آن کارکنان احساس امنیت، احترام و ارزشمندی کنند.
  - \* افزایش سطح هوش هیجانی کارکنان از طریق آموزش و برنامه‌های توسعه فردی
  - \* تقویت تعهد سازمانی از طریق مشوق‌های انگیزشی، ایجاد حس وفاداری و ارتباط مؤثر با کارکنان.
- نتایج این پژوهش می‌تواند به مدیران سازمان‌ها کمک کند تا با استفاده از راهکارهای مدیریتی مناسب، بحران‌های رفتاری را کاهش داده و بهره‌وری سازمان را افزایش دهند.

## نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که محیط کاری حمایتی، هوش هیجانی و تعهد سازمانی نقش کلیدی در کاهش رفتارهای انحرافی و بحران‌های رفتاری در سازمان‌ها ایفا می‌کنند. یافته‌ها بیانگر آن است که هرچه کارکنان احساس حمایت بیشتری از سوی سازمان داشته باشند، میزان رفتارهای مخرب آن‌ها کاهش یافته و تعهد سازمانی افزایش می‌یابد. همچنین، افرادی که دارای سطح

بالا تری از هوش هیجانی هستند، بهتر می توانند احساسات خود را کنترل کرده و در محیط های کاری پرتنش، رفتارهای انحرافی کمتری از خود نشان دهند. علاوه بر این، تعهد سازمانی به عنوان یک عامل کلیدی، میزان ارتباط مثبت میان محیط کاری حمایتی و کاهش رفتارهای انحرافی را تقویت می کند. این موضوع نشان می دهد که توجه به نیازهای کارکنان، ایجاد محیطی که از نظر روانی ایمن باشد و تقویت روابط بین فردی مثبت در سازمان، می تواند به کاهش چشمگیر رفتارهای انحرافی کمک کند. مدل سازی معادلات ساختاری نیز تأیید کرد که هوش هیجانی به عنوان یک متغیر میانجی و تعهد سازمانی به عنوان یک متغیر تعدیل کننده، نقش مهمی در کاهش بحران های رفتاری در محیط کار دارند. این نتایج نشان می دهد که برای کاهش رفتارهای انحرافی و ایجاد یک محیط کاری سالم، سازمان ها باید به سه عامل اصلی توجه ویژه ای داشته باشند: ایجاد فضای کاری حمایتگر، توسعه هوش هیجانی کارکنان و افزایش تعهد سازمانی. در این راستا، تدوین برنامه های آموزشی برای بهبود مهارت های هیجانی کارکنان، ایجاد سیاست های سازمانی که حس امنیت و احترام را در میان آن ها تقویت کند و بهره گیری از راهکارهای مدیریتی برای افزایش وفاداری کارکنان به سازمان، می تواند در کاهش بحران های رفتاری بسیار مؤثر باشد. از این رو، پیشنهاد می شود که سازمان ها برنامه های توسعه فردی را در قالب کارگاه های آموزشی و جلسات مشاوره ای برای کارکنان اجرا کنند و در کنار آن، نظام های انگیزشی و جبران خدمات را به گونه ای طراحی نمایند که موجب تقویت تعهد سازمانی و احساس ارزشمندی در میان کارکنان شود. علاوه بر این، برای کاربردی سازی یافته های این پژوهش در محیط های کاری مختلف، پیشنهاد می شود که سازمان ها سیاست های مدیریتی خود را بر مبنای اصول روانشناسی سازمانی و مدیریت منابع انسانی بهینه سازی کنند. ایجاد فرآیندهای ارزیابی منظم برای سنجش سطح هوش هیجانی و تعهد کارکنان، طراحی سیستم های پاداش مبتنی بر رفتارهای مثبت و حمایت از برنامه های سلامت روانی و عاطفی در سازمان، می تواند نقش مؤثری در کاهش رفتارهای انحرافی داشته باشد. مدیران می توانند از طریق بهبود ارتباطات سازمانی، کاهش استرس های شغلی و تقویت فرهنگ سازمانی مثبت، زمینه های لازم برای کاهش بحران های رفتاری را فراهم سازند. این پژوهش زمینه را برای تحقیقات آتی در حوزه مدیریت رفتار سازمانی و منابع انسانی فراهم می کند. پیشنهاد می شود که پژوهش های آینده با بررسی تأثیر عوامل دیگری مانند سبک های

رهبری، فرهنگ سازمانی، عدالت سازمانی و ساختارهای انگیزشی، به درک عمیق‌تری از رابطه بین محیط کاری حمایتی و کاهش رفتارهای انحرافی پردازند. مطالعه این متغیرها در سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف، می‌تواند به شناسایی الگوهای رفتاری خاص و ارائه راهکارهای متناسب با شرایط سازمانی کمک کند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی از روش‌های ترکیبی (کمی و کیفی) برای بررسی دقیق‌تر این موضوع بهره ببرند و با انجام مطالعات تطبیقی بین سازمان‌های مختلف، تأثیر عوامل زمینه‌ای بر روابط میان متغیرها را مورد بررسی قرار دهند.

نتایج این پژوهش می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای مدیران و سیاست‌گذاران سازمانی باشد تا با بهره‌گیری از رویکردهای علمی و مدیریتی، میزان رفتارهای انحرافی را کاهش داده و محیطی کارآمدتر، منسجم‌تر و سالم‌تر برای کارکنان خود ایجاد کنند. توجه به این عوامل نه تنها موجب تعهد و بهبود عملکرد فردی و گروهی کارکنان می‌شود، بلکه در سطح کلان نیز می‌تواند بهره‌وری سازمان را افزایش داده و زمینه را برای رشد پایدار و موفقیت در محیط‌های کاری رقابتی فراهم سازد.

## فهرست منابع

- ایراهیمی، محمد و رنجبر اکرم (۱۴۰۱). دل‌بستگی شغلی کارکنان در محیط کاری، تهران نشر امید کوثر
- قاندامینی هارونی، عباس.، ابراهیم‌زاده دستجردی، رضا، صادقی ده چشمه، محمود. (۱۴۰۱). بررسی اثرات مسئولیت اجتماعی سازمانی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار و تمایل به ترک شغل با نقش میانجی رضایت شغلی. تعالی منابع انسانی، از انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
- مایکل سی بوش، ترجمه ابریشم کار، مهدی (۱۴۰۲) محیط کاری عالی برای همه، تهران، انتشارات نواندیش
- نقابی، سعید، و بهادری، محمدکریم. (۱۳۹۱). رابطه هوش هیجانی و رفتار کارآفرینانه. مجله طب نظامی، شماره ۱۴.
- یزدانی، محمد. (۱۴۰۰). تأثیر استرس شغلی بر رفتارهای انحرافی در محیط کار با نقش میانجی رضایت شغلی. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۱۴
- Alexander, D., Green, C., & Brown, R. (2023). The impact of organizational culture on workplace deviant behaviors: A longitudinal analysis. *SAGE Open*, 13(2), 1-15. <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/21582440241247976>
- Alias, M., Rasdi, R. M., Ismail, M., & Samah, B. A. (2013). Supportive organizational environment and workplace deviance: Role of organizational support. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 91, 353-359. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2212567116000587>
- Bennett, R. J., & Robinson, S. L. (2000). Development of a measure of workplace deviance. *Journal of Applied Psychology*, 85(3), 349-360.
- Côté, S., & Miners, C. T. H. (2006). Emotional intelligence, cognitive intelligence, and job performance. *Administrative Science Quarterly*, 51(1), 1-28.
- Eisenberger, R., Huntington, R., Hutchison, S., & Sowa, D. (1986). Perceived organizational support. *Journal of Applied Psychology*, 71(3), 500-507.
- Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*. Bantam Books.
- Kaur, R., Gupta, M., & Singh, S. (2020). Combating deviant behavior for strengthening organizational commitment: Role of emotional intelligence. *Journal of Organizational Behavior Research*, 5(3), 45-67.
- Lee, J., Kim, S., & Park, H. (2023). Perceived organizational justice and workplace deviance: The mediating role of job satisfaction. *BMC Nursing*, 22, Article 134. <https://bmcnurs.biomedcentral.com/articles/10.1186/s12912-024-01937-6>
- Mathieu, J. E., & Zajac, D. M. (1990). A review and meta-analysis of the antecedents, correlates, and consequences of organizational commitment. *Psychological Bulletin*, 108(2), 171-194.
- Meyer, J. P., & Allen, N. J. (1991). A three-component conceptualization of organizational commitment. *Human Resource Management Review*, 1(1), 61-89.
- Podsakoff, P. M., MacKenzie, S. B., Paine, J. B., & Bachrach, D. G. (2000). Organizational citizenship behaviors: A critical review of the theoretical and empirical literature and suggestions for future research. *Journal of Management*, 26(3), 513-563.
- Rahman, M., Akhtar, M., & Hossain, S. (2022). Ethical leadership and workplace spirituality as predictors of workplace deviance. *International Journal of Social Research Methodology*, 25(4), 589-607. <https://ijsrm.net/index.php/ijsrm/article/view/4926>
- Rhoades, L., & Eisenberger, R. (2002). Perceived organizational support: A review of the literature. *Journal of Applied Psychology*, 87(4), 698-714.

- Robinson, S. L., & Bennett, R. J. (1995). A typology of deviant workplace behaviors: A multidimensional scaling study. *Academy of Management Journal*, 38(2), 555-572.
- Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition and Personality*, 9(3), 185-211.
- Spector, P. E., & Fox, S. (2005). The stressor-emotion model of counterproductive work behavior. *American Psychological Association*, 151-174.

